

روژاوا: دموکراتیک و پیشرو

دیو هولمز

ترجمه‌ی احمد سیف



بهر روز بوجانی مهاجر کرد ایرانی که شش سال در بازداشتگاه متقاضیان پناه‌جویی استرالیای زندانی بود در مصاحبه با اس بی اس گفته است «روژاوا پیشروترین و دموکراتیک‌ترین نظام در تاریخ خاورمیانه است و حمله به آن تنها یورش به کردها نیست بلکه یورش به دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک در منطقه است.»

دموکراسی روژاوا مبتنی بر کمون‌ها است و این نکته به وضوح روشن است. فمینیسم آن، در منطقه‌ای که از پدرسالاری عذاب می‌کشد چشمگیر است. تشکیل ارتش ۲۵ هزار نفری از زنان نه فقط در این منطقه که در هیچ منطقه‌ی دیگر و در هیچ دوره‌ی دیگری سابقه ندارد. کثرت‌گرایی قومی و مذهبی آن در منطقه‌ای که نخبگان با تفرقه‌افکنی می‌کوشند خود در قدرت بمانند، بی‌بدیل است.

اسلاوی ژیک، فیلسوف مارکسیست اسلووانیایی، اخیراً به درستی روژاوا را «نمونه‌ی واقعی و موجود اتوپیایی که به درستی کار می‌کند» توصیف کرده است.

۱- نفرت ترک‌ها از کردها

اخیراً اسلی اردوغان، نویسنده‌ی ترک که در ۲۰۱۶ برای چهار ماه زندانی شد چون از رییس‌جمهوری که هم نام خود اوست انتقاد کرده بود و اکنون در تبعید در آلمان زندگی می‌کند در مصاحبه‌ای با نشریه‌ی ایتالیایی لاریپابلیکا گفته است: «از زمانی که به مدرسه‌ی ابتدایی می‌رویم به ما ترک‌ها آموزش می‌دهند که از کردها متنفر باشیم» و بعد ادامه داد همین شست‌وشوی مغزی است که موجب می‌شود تا اغلب ترک‌ها ستم بر کردها را به رسمیت نشناسند. او گفت همه‌ی نیروهای سیاسی که در پارلمان ترکیه حضور دارند از جمله حزب اپوزیسیون بورژوازی کمالیست «تروریست» هستند به استثنای حزب اچ دی پی (حزب دموکراتیک خلق) «کشور من در حال حاضر در دوره‌ی ناسیونالیسم افراطی زندگی می‌کند. کردها در ترکیه که ۲۵ درصد جمعیت هستند از ستم‌کشی عمیقی عذاب

می‌کنند که از زمان تشکیل این جمهوری در ۱۹۲۳ آغاز شد. در مدارس عمومی به بچه‌های کرد آموزش به زبان خودشان انجام نمی‌گیرد. بخش شرقی کردنشین در واقع یک مستعمره‌ی داخلی، یک کشور اشغال‌شده است. شهرداران منتخب کرد به‌تواتر از کار اخراج و با مسئولان ترک جایگزین می‌شوند. بعلاوه کردها در واقع پرچمدار مبارزه برای دموکراسی واقعی و حقوق زنان هستند. مبارزه‌ی آن‌ها به‌واقع تهدیدی جدی برای کل نظام سرکوب‌گر و بهره‌کش سرمایه‌داری ترکیه است.

۲- چرا ترکیه به اشغال روژآوا دست زد؟

وقتی شما برای یک زندان بزرگ درست می‌کنید، وجود یک کشور هم‌مرز با شما با اکثریت کرد که آزادی و دموکراسی دارد قابل تحمل نخواهد بود. این «تهدید» تنها یک نمونه است. همه‌ی بحث مشروع ترک‌ها درباره‌ی «احساس خطر امنیتی» در واقع به‌طور کامل مزخرف است. روژآوا در این مرز هرگز به ترکیه حمله نکرده است از آن گذشته چه‌گونه یک کشور کوچک تنها با چند میلیون جمعیت می‌تواند خطری برای کشوری با ۸۰ میلیون جمعیت که پس از امریکا دارای بزرگ‌ترین ارتش در ناتو است، باشد؟

۳- ائتلاف با امریکا

ائتلاف روژآوا با امریکا باعث سردرگمی برخی چپ‌گرایان شده است. این در واقع ائتلافی نظامی تاکتیکی برای تسهیل کارها بود. امریکا برای مبارزه با داعش به نیروی نظامی نیاز داشت. به خودی خود تنها بمباران هوایی نمی‌توانست موفق باشد. به این ترتیب امریالیسم امریکا با انقلاب مردمی به توافق رسید. ولی واشنگتن هرگز از دموکراسی اشتراکی، فمینیسم و کثرت‌گرایی نژادی و مذهبی روژآوا حمایت نکرد. روژآوا به‌یقین به قدرت

نیروی هوایی و امکانات امریکا نیاز داشت، و گرنه از مدت‌ها پیش مغلوب داعش می‌شد. البته امریکا حواسش جمع بود که به نیروهای دفاعی روژآوا سلاح‌های پیشرفته (موشک‌های ضدتانک، و یا موشک‌های ضد بمب‌افکن) ندهد که می‌توانست برای ترکیه مشکلات عدیده‌ای ایجاد کند.

هزینه‌ای که نیروهای دفاعی روژآوا در طول هفت سال گذشته پرداخته‌اند به‌واقع عظیم بود، ۱۱ هزار نفر کشته شده و ۲۱ هزار نفر به‌طور جدی مجروح شده‌اند. و در نهایت ترامپ به بدترین شیوهی ممکن به این توافق پایان داد. ولی وقتی به شیوهی ترامپ به توافق پایان می‌دهید، روشن است که امریکا به ائتلاف امپریالیستی‌اش با ترکیه بازگشته است.

۴- انتخاب‌های دشوار برای همگان

روژآوا در همه‌ی زمینه‌ها با انتخاب‌های دشواری روبروست. مظلوم عبدی، فرماندهی اس دی اف (نیروهای دموکراتیک سوری)، گفته است «اگر مجبور شویم بین قتل عام مردم‌مان و سازش یکی را انتخاب کنیم، به یقین زندگی برای مردم را انتخاب می‌کنیم». او ادامه داده «ما به دموکراسی به‌عنوان یک مفهوم بنیادی معتقدیم ولی با توجه به اشغال ترکیه و تهدیدی که این یورش برای موجودیت مردم ما دارد، ناچاریم در توافق‌ها و ائتلاف‌هایمان بازنگری کنیم. روس‌ها و رژیم سوریه پیشنهادهایی داده‌اند که می‌تواند جان میلیون‌ها تن از مردم را که تحت نیروهای اشغال‌گر زندگی می‌کنند نجات بدهد. البته ما به وعده‌ها اعتماد نداریم. ولی واقعیت را بگوییم این که به کی می‌توان اعتماد کرد دشوار است.

این بررسی واقع‌گرایانه و روشنی از شرایط است.

۵- توافق روسیه با ترکیه

پیش از توافق روسیه با ترکیه توافق با رژیم اسد موجب شد که ارتش سوریه وارد مناطق تحت کنترل اس دی اف از جمله مناطق حول و حوش کوبانی شود. جلسه بین حاکمان مقتدر روس و ترک رضایت‌بخش نبود. توافق کثیف آنها سرنوشت روزاوا را ورای منافع مردم رقم زد. بد نیست ببینیم که در واقعیت این توافق به چه معناست.

۱- واحدهای ارتش سوریه و روسیه در سرتاسر مناطق مرزی به‌استثنای آن چه بین

تل ابیاد و سره‌کانی (که نام عربی‌اش رأس‌العین است) مستقر شده‌اند. در نتیجه

کنترل ترکیه به باریکه‌ای (یعنی منطقه‌ی اف‌رین که پیش‌تر اشغال شده بود)

محدود شده است.

۲- اس دی اف ۳۰ کیلومتر عقب کشیده است (مطمئن نیستم که آیا این عقب

کشیدن شامل شورای نظامی شهرها هم می‌شود یا خیر).

۳- در حال حاضر مسئولان شهر در موقعیت خود باقی مانده‌اند.

۴- مذاکرات رژیم سوریه با میانجی‌گری روسیه صورت می‌گیرد تا بقیه توافق‌های

سیاسی مشخص شود، یعنی برسر روزاوا و نظام حکومتی‌اش چه خواهد آمد

(از جمله وضع اس دی اف چه می‌شود).

۵- در توافق بین روسیه و ترکیه به مقوله‌ی پناه‌جویان هم اشاره شده است. نکته این

است که آیا اردوغان موفق می‌شود تا چندین میلیون پناهجوی عرب را در

روژاوا جا بدهد یا خیر و اگر این چنین بشود تغییرات جمعیتی چشمگیری اتفاق خواهد افتاد که در واقع نشانه‌ی یک تصفیه‌ی قومی خواهد بود.

لازم است اشاره کنیم که توافق آتش‌بسی که قرار بود همراه با عقب کشیدن اس دی اف انجام بگیرد کاملاً واهی و خیالی است. گروه‌های اسلام‌گرای ترکیه به‌طور دائم در حال پیشروی هستند و مناطق بیش‌تری را در کنترل می‌گیرند. اینها حتی به‌طور علنی با نیروهای نظامی سوریه هم درگیر شده‌اند.

اکنون دیگر از همیشه روشن‌تر شده است که کل مقوله اشغالی در واقع با توافق ترکیه، روسیه و امریکا صورت گرفته که دروجه اساسی روژاوا را تضعیف و آن را مجبور کند تا با رژیم اسد به توافق نامطلوبی برسد که موجب برچیدن نظام خودگردان، و حذف نیروهای دفاع از خود شود و در کل این غول انقلاب کردی را از پا درآورد.

۶- کنفرانس قانون اساسی بدون نماینده‌ای از روژاوا

کنفرانس قانون اساسی که به زعامت سازمان ملل متحد قرار است در ژنو برگزار شود این نکته را به‌وضوح نشان می‌دهد. این کنفرانس که مورد حمایت روسیه و ترکیه و ایران است قرار است با شرکت ۱۵۰ عضو تشکیل شود که ۵۰ نفرشان از وابستگان رژیم بشار اسد هستند، ۵۰ نفر هم نمایندگان گروه‌های مخالف سوریه هستند که ترکیه و عربستان سعودی از آنها حمایت می‌کنند و ۵۰ نفر بعدی هم نمایندگان عادی شهروندان هستند. هیچ‌یک از این نمایندگان نماینده‌ی روژاوا نیستند. اشاره کنم که روژاوا البته واحدی است که یک‌سوم کشور را در کنترل دارد و سنگینی عمده‌ی شکست داعش را با پرداخت هزینه‌ی بسیار سنگین به گردن داشته است ولی در این کنفرانس نماینده‌ای ندارد.

۷- برای کردها و متحدان‌شان چه باقی خواهد ماند؟

دیکتاتوری اسد نمی‌خواهد قدرت را با هیچ قدرت دیگری تقسیم کند و بنیان‌اش بر سازوکار کنترل غیرمنعطف استوار است که شووینیسیم عربی و نولیبرالیسم غارتگر است (برآورد شده است که تا همین اواخر رامی مخلوف، پسر دایمی اسد، ۶۰ درصد اقتصاد کشور را در کنترل خود داشته است البته اکنون مثل این که اندکی به حاشیه رفته است). ولی رژیم به شدت تضعیف شده است و باید حداقل در شرایط کنونی به توافقاتی رضایت بدهد اگرچه بطور کلی رژیم به دموکراسی، تمرکززدایی و فدرالیسم اعتقاد ندارد، ولی هرچه کردها بیش تر تضعیف بشوند، آن‌چه رژیم سوریه باید بپذیرد کم تر می‌شود.

۸- همبستگی اهمیت حیاتی دارد

تردید نیست که وضع کلی روژآوا نگران‌کننده و آینده‌اش همچنان ناروشن است. از همین رو، همبستگی بین‌المللی بسیار حیاتی و مهم است. دولت‌های غربی حرف زیاد می‌زنند ولی کار عملی نمی‌کنند مگر این که آن‌ها را مجبور به عمل کنیم. مردم باید دولت را وادارند که به اقدامات درست دست بزنند نه آن‌چه که به نفع منافع اقتصادی و نظامی امپریالیستی‌شان است.

۹- و اما، درباره‌ی نیروهای چپ در غرب

انقلاب روژآوا به مدت طولانی در میان نیروهای چپ غرب تفرقه ایجاد کرد. از سویی بعضی گروه‌های سوسیالیست و آنارشیزست به شدت از آن حمایت کردند و در عین حال گروه‌های دیگر هم به درجات مختلف منتقد بودند. برای برخی ائتلاف این نیرو با امریکا مشکل اصلی است و برای برخی دیگر اقتدارگرایی مفروض حزب اتحاد دموکراتیک کردی که در واقع استخوان‌بندی رهبری سیاسی این انقلاب است.

این‌جا، در استرالیا، گروه اصلی سوسیالیستی که از مبارزه برای آزادی و انقلاب در بخش شمالی سوریه حمایت کرده است - در واقع تنها گروه - گروه ائتلاف سوسیالیستی است. در واقع به‌طور مستمر در هفته‌نامه‌ی «چپ سبز» و در همکاری با گروه‌های کردی در این‌جا هر چه از دست‌مان بر می‌آمد انجام دادیم تا یک جنبش همبستگی عملی شکل بگیرد.

بدیل سوسیالیستی - که در میان نیروهای استرالیا از دیگران بزرگ‌تر است - همیشه با انقلاب روزآوا مخالف بود. به گمان من علت این موضع‌گیری عمدتاً نگرش فرقه‌گرایانه‌شان است و آنها مخالفت خود را با بررسی نادرست از جنبش ضد دیکتاتوری اسد توجیه کرده‌اند.

ترکیه در نهم اکتبر به اشغال روزآوا مبادرت کرد. اولین مقاله درباره‌ی این تحول عمدۀ در سیاست جهانی در ۲۸ اکتبر میک آرمسترانگ در نشریه‌ی «پرچم سرخ» منتشر کرد. در این فاصله سه تظاهرات اعتراضی صورت گرفت ولی «بدیل سوسیالیستی» آنها را نادیده گرفت (اگر اشتباه نکنم در تظاهرات اول یک یا دو نفر ناظر از سوی این گروه مشارکت داشته‌اند).

بد نیست به تحلیل میک از این تراژدی کردی توجه کنیم.

«پیش‌بردن انقلاب از پایین از سوی توده‌های سوری، چه عرب و چه کرد، تنها راه‌حل عملی در برابر فرقه‌گرایی، نژادپرستی و شوونیسم ملی‌گرایانه بود. نیروهای کرد می‌توانستند در این مبارزه نقش رهبری‌کننده را ایفا کنند... توده‌های کرد باید با انقلاب در جریان توده‌ها در خاورمیانه متحد شوند. حق تعیین سرنوشت خود کردها تنها می‌تواند در چارچوب مبارزه‌ی انقلابی متحدی که در آن طبقه کارگر، توده‌های خلق در سرتاسر منطقه مشارکت دارند - کردها، ترک‌ها، عرب‌ها و ایرانی‌ها، به دست آید»

به نظر من شواهد موجود به وضوح به هر کسی که بدون پیش‌داوری به بررسی بپردازد نشان خواهد داد که روژآوا در واقع «انقلاب از پایین با مشارکت توده‌ها چه عرب و چه کرد» را پیش برده است و کوشید تا «بر فرقه‌گرایی، نژادپرستی و شووینیسیم ملی‌گرایانه» فائق آید و «در مبارزه نقش رهبری‌کننده ایفا کرده است».

انقلاب به‌طور مستمر کوشید جوامع غیر کردی را هم به خود جلب کند، عرب‌ها، آسوری‌ها (مسیحیان سوری)، ارمنی‌ها، ترکمن‌ها، چچن‌ها، سرکاسین‌ها، ولی این جمعیت‌ها با کردها تفاوت دارند. فرهنگ‌شان متفاوت است و تجربیات متفاوتی دارند و رهبری سیاسی و تاریخ‌شان هم فرق دارد و جلب آنها به یک نوع زندگی تازه، به کار مداوم و حوصله‌ی فراوان نیازمند است. با این همه شاهد موفقیت‌های زیادی از ادغام این گروه‌ها بوده‌ایم که دیده‌اند چه‌گونه این نظام تازه کار می‌کند و چه‌گونه آنها می‌توانند در این نظام تازه جابگیرند.

نیروهای دموکراتیک سوریه - نیروهای دفاع از خود روژآوا - تعداد هرچه بیش‌تری از واحدهای عربی را در خود جا داده‌اند از جمله زنان عرب را. در اواخر سال ۲۰۱۴ یک واحد کوچک عربی نقش مهمی در دفاع از کوبانی داشت و بخش‌های هرروزافزون‌تری از اعراب غیرشووینیسیت از آن زمان جذب انقلاب روژآوا شده‌اند.

میک می‌پذیرد که شووینیسیم عربی یک مشکل اساسی است ولی هم‌چنان بر دیدگاه فرقه‌گرایانه‌ی بدیل سوسیالیستی در برخورد با انقلاب روژآوا پافشاری می‌کند. اگر میک با جزییات توضیح می‌داد که کردها چه باید می‌کردند، به‌ما کمک می‌کرد ولی بعید است چنین کاری بکند.

درواقع انقلاب روژآوا نقطه‌ی اوج انقلاب سوری‌هاست و راه پیش‌روی برای رسیدن به سوریه‌ی جدید را نشان می‌دهد، دموکراسی توده‌ای، تمرکززدایی و فدرالیسم، فمینیسم و کثرت‌گرایی قومی و مذهبی. تحلیل بهروز بوچانی کاملاً درست است که «روژآوا پیش‌روترین و دموکراتیک‌ترین نظام در تاریخ خاورمیانه است».

از همین رو، در این برهه که موجودیت روژاوا با مخاطره روبه‌رو شده است سوسیالیست‌ها باید هرآن چه می‌توانند در حمایت از آن انجام بدهند.

پیوند با منبع اصلی:

[**The most progressive and democratic system in the history of the Middle East**](#)